



مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از حقوق عامه در نظام کیفری ایران و حقوق تطبیقی

ایوب نوریان*، یزدان قربانی**

چکیده

سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (سمن‌ها) به‌عنوان نهادهایی خودجوش و مستقل از دولت، با هدف رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی به عموم مردم فعالیت می‌کنند. این مقاله با طرح این پرسش اصلی که «سازوکارهای مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در صیانت از حقوق عامه به چه کیفیتی است؟» با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به تبیین شیوه‌های مختلف مداخله سمن‌ها در فرایند کیفری و تأثیرات آن‌ها بر حفاظت از حقوق عامه می‌پردازد. همچنین چالش‌ها و ظرفیت‌های قانونی این مشارکت در نظام کیفری ایران در مقایسه با کشورهای فرانسه، انگلستان، کانادا و استرالیا تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سمن‌ها در نظام حقوقی ایران می‌توانند به‌عنوان گزارش‌دهنده از ظرفیت قوانین و مقرراتی همچون دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، لایحه صیانت از حقوق عامه و سند تحول و تعالی قوه قضائیه استفاده نمایند؛ اما حتی استفاده از این ظرفیت نمی‌تواند محدودیت مداخله سمن‌ها به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی، بدون پیش‌بینی حق شکایت، ارائه دلیل و اعتراض به آراء محاکم قضائی را که به‌موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، چپران نماید. تجربه نظام حقوقی کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که حق اعلام شکایت، ارائه دلیل، شرکت در جلسات رسیدگی و دفاع از موضوع شکایت و همچنین حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی در این کشورها به رسمیت شناخته شده است.

*ay.noorian@gmail.com.

* استادیار، مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، آذربایجان شرقی، ایران.

yazdanghorbani24@gmail.com

هرچند حوزه‌های مداخله کیفری سمن‌ها در این کشورها محدودتر از نظام حقوقی ایران است. پیش‌بینی مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری به‌عنوان یک دنبال‌کننده فعال، که از حق شکایت، شرکت در جلسات دادرسی و دفاع از حقوق عامه با داشتن حق ارائه دلیل و اعتراض به آراء، گامی مثبت و نوین برای کشف جرم و امکان بررسی جرایم ارتكابی در حوزه حمایت از حقوق عامه است. واژگان کلیدی: حقوق عامه، سازمان‌های مردم‌نهاد، مداخله کیفری، سیاست جنایی مشارکتی.



مقدمه

«حقوق عامه» در سال‌های اخیر، یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در محافل دانشگاهی و گفتمان حقوقی مستولان قضائی کشور بوده است. این مفهوم برای نخستین بار در **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** مطرح شد و سپس در سایر قوانین، به صورت پراکنده و به معنای اعم، مورد توجه قرار گرفت. **بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** به شناسایی، تضمین و صیانت از حقوق و آزادی‌های ملت پرداخته است. این امر، نیازمند مشارکت کلیه نهادهای دولتی، کنشگران غیردولتی و مردمی برای شناسایی، تبیین، گسترش، مطالبه و احیای حقوق عامه است. یکی از موضوعات قابل توجه در این زمینه، ابهام در تعریف مفهوم «حقوق عامه» و مصادیق آن در نظام حقوقی ایران است.

امروزه، به این شیوه شرکت دادن گروه اجتماعی - چه به طور فردی و چه به طور جمعی در شبکه یا نظام رسیدگی کیفری - اشکال فعال تری اضافه شده که مبین مشارکت حقیقی گروه اجتماعی (سازمان‌های مردم‌نهاد) در فرایند رسیدگی کیفری است؛ زیرا، از این پس گروه‌های اجتماعی سازمان‌یافته در قالب انجمن‌های مردمی با مشارکت مستمر در این فرایند وارد می‌شوند، به گونه‌ای که دیگر به عنوان زکّی از نظام کیفری محسوب می‌شوند. بدین سان، از طریق توزیع مجدد نقش‌ها بین دولت و جامعه مدنی، سیاست کیفری مشارکتی ترسیم می‌شود که هدف و موضوع آن، پیشبرد روش آموزش مسئولیت و مساعد کردن زمینه مردم‌سالاری محلی است. (دلماز، ۱۷۴: ۱۳۹۳)

لایحه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همسوبا اندیشه‌های نوین سیاست کیفری مشارکتی، مداخله کیفری «سازمان‌های مردم‌نهاد» را در جهت حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، حقوق شهروندی و همچنین در حفاظت از حقوق و منافع همگانی همچون محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و بهداشت عمومی از طریق اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را با شرایطی پذیرفته بود و جایگاه آنان را از یک اعلام کننده صرف به یک دنبال کننده فعال تبدیل نموده بود؛ اما پس از اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ حق سمن ها در اقامه دلیل و اعتراض به آرای قضائی که در لایحه قانون بدان اشاره شده بود، از متن ماده حذف شد تا دستاوردی نوین از قانون آیین دادرسی کیفری به دست فراموشی سپرده شود.

سمن ها به عنوان دوست دادگاه در احیای حقوق عامه نقش های مختلفی دارند. گاهی این نهادها در موضوعات تخصصی مربوط به خود به صورت ایجابی به کمک دادگاه می‌آیند تا با رصد و

نظارت مستمر باعث بهبود هنجارهای ناقص فعلی و با تدوین برنامه‌های جامع جلوگیری از نقض حقوق عامه شوند. از طرف دیگر در قالب اصل (۸) و گزارش‌های مردمی، نهادهای مردم‌نهاد نقش‌آفرینی می‌کنند که دادستان‌ها موظفند به آن‌ها ترتیب اثر دهند و در هیئتت خاص، مطرح و اقدامات لازم صورت می‌پذیرد. استفاده از خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و حمایتی از سوی نهادهای مردمی به خصوص در حوزه زده‌پسندگان خاص یکی دیگر از جنبه‌های مشارکت نهادهای مردمی در حوزه احیای حقوق عامه می‌باشد (پاک‌نژاد و غمامی، ۱۴۰۰: ۷۴).

صرف‌نظر از اینکه بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم در کشور ما به‌منظور مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری موجود نیست، نقش آنان در فرایند کیفری در حد یک اعلام‌کننده جرم و شرکت‌کننده در جلسات رسیدگی است، در مقام عمل هم با ابهاماتی همچون ملاک تشخیص صلاحیت سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در فرایند کیفری مواجه هستیم (تبصره ۳ ماده ۶۶)، همچنین چگونگی توسعه مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری و سازوکارهای نظارتی بر فعالیت آنان مشخص نیست (ورویی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷).

مردنی در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه با بهره‌از سازمان‌های مردم‌نهاد» با طرح این پرسش که «در اجرای سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد احیای حقوق عامه سمن‌ها از چه ظرفیت‌هایی برخوردارند؟» به این نتیجه رسیده است که با توجه به نقش سمن‌ها در حوزه شناسایی و اجرای حقوق عامه، قوه قضائیه بایستی با رویکرد تعاملی از طرقی چون مساعدت‌های مالی، اعطای حق دادخواهی به سمن‌ها در اجرای اصل ۳ قانون اساسی و ایجاد مشوق‌های قانونی برای همکاری این نهادها حمایت‌های لازم را با هدف افزایش کارآمدی آن‌ها در احیای حقوق عامه به‌عمل آورد (مردنی، ۱۴۰۰: ۲۲۷). شیری و شاملو در مقاله‌ای با عنوان «مداخله‌گری کیفری برای احیای حقوق عامه در نظام حقوقی ایران، چرایی و چالش‌ها» پس از بررسی مفهوم حقوق عامه و چیستی و چرایی مداخله کیفری برای صیانت از حقوق عامه، شاخص‌های عمده و چالش‌های فراوی این مداخله‌گری را مورد بحث قرار داده‌اند (شیری و شاملو، ۱۴۰۲: ۳۶۱). پاک‌نژاد و غمامی در مقاله‌ای تحت عنوان «سازوکارهای مشارکت نهادهای دوست دادگاه در احیای حقوق عامه» با طرح این سؤال که «سازوکارهای مشارکت نهادهای دوست دادگاه در احیای حقوق عامه چیست؟» با هدف شناسایی نهادهای مشارکت‌غیردولتی مرتبط با دادگاه، نقش و سازوکار مشارکت هر یک را برای احیای حقوق عامه با روش توصیفی - تحلیلی مورد بحث قرار داده‌اند (پاک‌نژاد و غمامی، ۱۴۰۰: ۵۵). اما نوشتار حاضر درصدد است تا ضمن بازتعریف مفهوم حقوق عامه در نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، کانادا و استرالیا، به بررسی وضعیت، زمینه‌ها، چالش‌ها و ابهامات مداخله کیفری سمن‌ها در حفظ و

صبانت از حقوق عامه با نگاه تطبیقی بپردازد.

۱. حقوق عامه

واژه «حقوق عامه» در اغلب مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده از جهات مختلف، شناسایی و تعریف شده است، می‌توان به وضوح مشابهت‌های موجود در این تعاریف را مشاهده نمود. دکتر جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق، حقوق عامه را معادل مشترکات عمومی و ناظر بر حقوق و منافع عمومی دانسته‌اند که میان افراد مختلف مشترک است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۳۱۱). برخی بر این باورند حقوق عامه اعم است از حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی، قضائی و ... از کلی‌ترین تا جزئی‌ترین مصادیق آن. مصداق اتم و اکمل حقوق عامه در حقوق اساسی نمود یافته است (نقوه‌کار، ۱۳۸۸: ۲۳). در تعریفی دیگر، حقوق عامه به‌عنوان آن دسته از حقوق انسان‌ها است که به‌طور مشترک متعلق به تمامی افراد جامعه است. این حقوق شامل حقوقی مانند حقوق بشر، حقوق اقتصادی و اجتماعی و همچنین حقوق مربوط به حفظ محیط‌زیست و امنیت اجتماعی می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۶: ۲۵). عده‌ای از نویسندگان معتقدند حقوق عامه، مفهومی است که نمی‌توان آن را صرفاً منحصر در مفهوم حقوق ملت یا حقوق بشر دانست. حقوق عامه مفهومی است که گستردگی مصادیق آن می‌تواند دربردارنده هر دو مفهوم مزبور باشد (افشاری و پتف، ۱۴۰۰: ۱۱۵). برخی دیگر، حقوق عامه را حق‌های عمومی مقرر در قانون اساسی تعبیر کرده‌اند و آن را حق جامعه بر نظم عمومی و امنیت شهروندان خود دانسته‌اند (قاسمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۹۸). به نظر می‌رسد حقوق عامه، در قالب عبارات و مفاهیمی که تاکنون توسط قوانین و مقررات بیان‌شده، به خوبی و مبتنی بر قانون اساسی روشن نشده است. می‌توان گفت حقوق عامه مجموعه حقوق و آزادی‌های مشروع منبث از موازین اسلامی و الزامات قانونی است که دولت طبق اصل سوم نسبت به آن‌ها متعهد است و قوه قضائیه ملزم به احیای آن و برخورد با ناقضان است (غمای، ۱۳۹۷: ۷۷).

حقوق عامه همچنین به‌عنوان مفهومی سیال، بسیط و نامحدود معرفی شده که مصادیق متعددی را دارا می‌باشد ازجمله از حقوق افراد در روابط اجتماعی تا امور اعتقادی، اقتصادی، قضائی، امنیتی، دفاعی، اخلاقی، آموزشی، فرهنگی و غیره (هداوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۹). حقوق عامه در کائادا به حقوقی اطلاق می‌شود که به‌طورکلی به نفع جامعه است و برای حفظ نظم اجتماعی و عدالت طراحی شده‌اند. این حقوق شامل حقوق بشر، محیط‌زیست، امنیت عمومی و دسترسی به عدالت است (Foster, 2010: 88). در حقوق انگلستان، «حقوق عامه»، حقوق ناظر بر منفعت عمومی جامعه است و شامل مسائلی مانند حقوق بشر، امنیت عمومی، حفاظت از محیط‌زیست و دسترسی به

عدالت و آزادی برای همگان است (Barker, 2012: 85). حقوق عامه در چارچوب حقوق اساسی فرانسه، به مجموعه‌ای از قواعد حقوقی گفته می‌شود که سازماندهی و نحوه عمل نهادهای دولتی، همچنین روابط آن‌ها با افراد و سازمان‌ها را تنظیم می‌کند. این حقوق در راستای حفظ منافع عمومی جامعه و همچنین حمایت از حقوق فردی در برابر قدرت‌های دولتی عمل می‌کنند. حقوق اساسی فرانسه در قانون اساسی جمهوری فرانسه خصوصاً در قانون اساسی ۱۹۵۸ یا «پنجمین جمهوری فرانسه» تنظیم می‌شود و بر مبنای آن، حقوق فردی و آزادی‌های عمومی در برابر دولت تضمین می‌شوند. در نظام حقوقی استرالیا نیز از حقوق عامه تعریف مشابهی شده است (Schultz, 2011: 76).

در دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه ابلاغی مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۳ رئیس قوه قضائیه از حقوق عامه چنین تعریف شده است: «حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه یا سایر مقررات لازم‌الاجرا ثابت است و اجرا شدن یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضییع یا سلب امتیاز آنان می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری.»

می‌توان گفت در حقوق ایران، مفاهیم مربوط به حقوق عامه عمدتاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات کشور ذکر شده است. برخی از مهم‌ترین اصول و مفاهیم مرتبط با حقوق عامه را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی نمود:

۱. مفاهیم حقوق بشری و حقوق شهروندی از قبیل حقوق اولیه افراد مانند آزادی‌های مشروع، برابری، حق برخورداری از عدالت، آزادی‌های فردی، حق مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی و دسترسی به خدمات عمومی.

۲. مفاهیم مربوط به نظم عمومی، امنیت اجتماعی و روانی عامه مردم و فرهنگ عمومی

۳. مفاهیم مربوط به محیط‌زیست، بهداشت عمومی، منابع طبیعی و عمومی و میراث فرهنگی.

۲. سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (سمن‌ها)، جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیت‌های غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت و مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری را پیش‌بینی نموده است (وروایی و

همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). سازمان‌های مردم‌نهاد با متشکل کردن مردم، تعیین موضوع یا گروه‌های هدف و شناخت مسائل و نیازهای مربوط به این گروه‌ها از منابع و امکانات در دسترس به صورت کارآمدی نسبت به نهادهای دولتی استفاده می‌کنند (عطاران، دودانگه، ۱۳۹۶: ۲۴۰). به نقل از معاون مشارکت‌های مردمی سازمان امور اجتماعی تا پایان سال ۱۴۰۲ تعداد ۲۲۰ هزار سازمان و تشکل مردم‌نهاد در کشور ثبت شده است که از لحاظ کارکردی نیمی از این تشکل‌ها در وضعیت فعال قرار دارند^۱. البته وضعیت رشد سازمان‌های غیردولتی در همه جا به یک اندازه نیست. برای نمونه در مصر بیش از شانزده هزار سازمان غیردولتی به ثبت رسیده است درحالی که در عربستان، ایجاد سازمان‌های غیردولتی ممنوع اعلام شده است (Elbayar, 2005: 3).

سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و سایر نقاط جهان به عنوان نهادهایی غیرانتفاعی و مستقل، نقش مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می‌کنند. ویژگی‌های کلیدی این سازمان‌ها عبارت‌اند از:

۱. غیردولتی بودن: بدین معنا که تأسیس آن‌ها براساس تصمیم دولتی و در چارچوب بودجه عمومی انجام نگیرد بلکه اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی، مؤسس آن‌ها باشند و سازمان، جزئی از تشکیلات بدنه عمومی دولت دانسته نشود.
۲. حمایت از حقوق بشر و عدالت اجتماعی: این سازمان‌ها به ترویج و حفاظت از حقوق بشر، عدالت اجتماعی و برابری در جامعه می‌پردازند.
۳. مشارکت داوطلبانه و جامعه‌محوری: براساس مشارکت داوطلبانه اعضا و تعامل نزدیک با جوامع محلی فعالیت می‌کنند و نیازهای واقعی جامعه را شناسایی و برطرف می‌نمایند.
۴. حساب‌دهی و شفافیت: برای حفظ اعتماد عمومی و اطمینان از استفاده بهینه از منابع، این سازمان‌ها به شفافیت در فعالیت‌ها و گزارش‌دهی منظم پایبند هستند.
۵. عدم فعالیت سیاسی و انتفاعی: سازمان‌های مردم‌نهاد معمولاً از فعالیت‌های سیاسی و تجاری انتفاعی خودداری می‌کنند و تمرکز خود را بر اهداف غیرانتفاعی و خدمت به جامعه قرار می‌دهند.
۶. برخورداری از شخصیت حقوقی: برای گسترش فعالیت سازمان‌های غیردولتی، قوانینی وضع می‌شود که براساس آن این سازمان‌ها به ثبت می‌رسند و از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار می‌شوند. این امر موجب جلب اعتماد مردم به آن‌ها می‌شود و از این طریق می‌توانند با

1 . <https://www.mehrnews.com/news/6033664/>

سازمان‌های دولتی قرارداد امضا و از تسهیلات مختلفی نظیر وام بانکی استفاده کنند.

۷. **مأموریت‌محوری و اهداف مشخص:** این سازمان‌ها با مأموریت‌های خاص اجتماعی، زیست‌محیطی یا بشردوستانه تشکیل می‌شوند و تمامی فعالیت‌های خود را در راستای دستیابی به این اهداف متمرکز می‌کنند. این ویژگی‌ها به سازمان‌های مردم‌نهاد کمک می‌کند تا به‌صورت مؤثر و پایدار به بهبود شرایط اجتماعی و توسعه جوامع کمک کنند.

۲. زمینه‌های مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در صیانت از حقوق عامه

یکی از روش‌های صیانت از حقوق عامه، مداخله‌گری کیفری است که به‌طور مستقیم و آشکار از سوی حاکمیت و با محوریت ابزارهای کیفری به‌صورت افتراقی و در راستای صیانت از حقوق عامه انجام می‌پذیرد. مداخله کیفری، در وهله اول، به معنای جرم‌پنداری رفتارهایی است که ارزش‌های مهم زندگی افراد در بعد فردی و اجتماعی را نقض می‌کند. وقتی از مداخله کیفری سخن گفته می‌شود، جرم‌انگاری و کیفرگذاری نسبت به رفتارهای نقض‌کننده یا تهدیدکننده ارزش‌های اساسی، مورد نظر است. سطح دیگری از مداخله‌گری کیفری، سطح قضائی و اجرایی است. در این سطح، سیستم قضائی به منظور تعقیب موارد ارتکاب جرم و محاکمه مرتکبان و تعیین و اجرای ضمانت‌اجراهای تقنینی شکل می‌گیرد و به قول دیگر، سطح اجرای قوانین و مقررات کیفری (ساده و تشدید یافته) بروز می‌یابد؛ بنابراین می‌توان مداخله کیفری را ابتدا ناظر بر جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌ها در سطح تقنینی و سپس، راجع به برگزاری محاکمات کیفری نسبت به مرتکبان رفتارهای مجرمانه در سطح قضائی و اجرایی دانست (شیری و شاملو، ۱۴۰۲: ۳۶۲).

بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد جزء اصلی‌ترین ابزارها در اجرای سیاست جنایی مشارکتی است. ورود تخصصی سمن‌ها به موضوعات مربوط به حقوق عامه سبب می‌شود تا چنانچه به خوبی از آن‌ها بهره‌گیری شود، اقدامات مؤثری در احیای حقوق عامه صورت پذیرد. تصویب و ابلاغ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه در اسفندماه سال ۱۳۶۳ از سوی رئیس قوه قضائیه در راستای توجه نظام‌مند، پایدار و دانش‌بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی و با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر مردمی‌بودن برنامه‌های تحولی قوه قضائیه و اهمیت مشارکت مردم و ظرفیت گسترده نهادهای مردمی و در اجرای اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی بیانگر اهمیت نقش نهادهای مردمی در تعامل با دستگاه قضائی در احیای حقوق عامه می‌باشد (مرندی، ۱۴۰۰: ۲۲۹-۲۲۷).

افزون بر سطح داخلی، امروزه در مقیاس بین‌المللی، دادگاه کیفری بین‌المللی نمونه بارزی مبنی بر

مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از حقوق عامه در نظام کیفری ...

مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند دادرسی کیفری است. اطلاعاتی که این سازمان‌ها در اختیار دادگاه قرار می‌دهند می‌تواند در تهیه و تدارک پرونده‌های کیفری مؤثر باشد، به گونه‌ای که با بررسی تاریخی دادگاه کیفری بین‌المللی می‌توان پی برد که ارتباط تنگاتنگی میان تشکیل این دادگاه و سازمان‌های غیردولتی وجود دارد. سازمان‌های غیردولتی در کسب اطلاعات تکمیلی می‌توانند به دادستان کمک کنند. براساس بند دوم ماده ۱۵ اساسنامه در مواردی که دادستان رأساً و براساس اطلاعات مکتسبه تحقیقات را آغاز می‌کند، اهمیت اطلاعات دریافتی را ارزیابی می‌کند. او در این مرحله می‌تواند از جمله مساعدت و کمک سازمان‌های غیردولتی را تقاضا کند. (بیگزاده، ۱۳۹۲: ۶۰۲).

الف) کانادا: در کانادا، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در برخی از پرونده‌های کیفری به عنوان طرف سوم یا مدعی خصوصی مداخله کنند. یکی از قوانین کلیدی که این امکان را فراهم می‌کند، «قانون حقوق بشر کانادا» است که به‌طور ویژه به سازمان‌ها و گروه‌ها اجازه می‌دهد در موارد نقض حقوق بشر از طریق دادگاه‌ها درخواست مداخله کنند. این قانون به‌ویژه در پرونده‌هایی که مربوط به نقض حقوق اقلیت‌ها یا رفتارهای تبعیض‌آمیز است، کاربرد دارد. یکی دیگر از چارچوب‌های قانونی که امکان مداخله کیفری را برای سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم می‌کند، «قانون محیط‌زیست» است. طبق این قانون، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در پرونده‌هایی که به تخریب محیط‌زیست یا نقض قوانین زیست‌محیطی مربوط می‌شود، وارد دادرسی شده و از طرف جامعه از دادگاه‌ها درخواست کنند که اقدامات قانونی لازم را اتخاذ کنند (Young, 2012: 94).

سازمان‌های مردم‌نهاد در کانادا به‌ویژه در زمینه‌های حقوق بشر و محیط‌زیست در فرایندهای کیفری مداخله می‌کنند. در حوزه حقوق بشر، این سازمان‌ها می‌توانند در پرونده‌هایی که به نقض حقوق انسان‌ها، مانند تبعیض، شکنجه یا نقض حقوق زندانیان، مربوط می‌شود، به عنوان طرف سوم مداخله کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند از این طریق اقدامات قانونی علیه دولت یا نهادهای دولتی انجام دهند و حقوق قربانیان را به محاکمه بکشانند. در زمینه محیط‌زیست، سازمان‌های مردم‌نهاد در کانادا نقش مهمی در حفاظت از منابع طبیعی ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها می‌توانند در پرونده‌هایی که به نقض قوانین محیط‌زیستی یا آلودگی‌های زیست‌محیطی مربوط می‌شود، وارد فرایندهای کیفری شوند و از دادگاه‌ها درخواست کنند که مجازات‌های لازم برای شرکت‌های آلوده‌کننده محیط‌زیست اعمال شود. به‌طور مثال، در پرونده‌های مرتبط با نفت و گاز یا آلودگی آب‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به عنوان مدعی خصوصی وارد شده و به‌طور فعال در حمایت از محیط‌زیست شرکت کنند (Morrison, 2013: 102).

ب) استرالیا: در استرالیا، قوانین مختلفی به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهند که در پرونده‌های کیفری

وارد شوند و از حقوق عمومی دفاع کنند. یکی از مهم‌ترین قوانین در این زمینه، «قانون حقوق بشر استرالیا» است که به‌طور ویژه به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد که در موارد نقض حقوق بشر مداخله کنند. طبق این قانون، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به‌عنوان ثالث در پرونده‌های حقوق بشری وارد عمل شوند و از دادگاه‌ها درخواست کنند که اقداماتی در جهت حمایت از حقوق بشر انجام دهند. یکی دیگر از قوانین مهم در این زمینه، «قانون حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی» است که به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد که در پرونده‌هایی که به تخریب محیط‌زیست یا نقض قوانین زیست‌محیطی مربوط می‌شود، مداخله کنند. این قوانین به سازمان‌های مردم‌نهاد این امکان را می‌دهد که در دادرسی‌های کیفری برای جلوگیری از آلودگی‌ها و تخریب‌های زیست‌محیطی و حمایت از منابع طبیعی، وارد شوند (Hughes, 2010: 89).

سازمان‌های مردم‌نهاد در استرالیا در بسیاری از حوزه‌های مختلف به‌ویژه حقوق بشر و محیط‌زیست به مداخله کیفری می‌پردازند. در زمینه حقوق بشر، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در پرونده‌هایی که به نقض حقوق افراد، مانند شکنجه، تبعیض یا حقوق مهاجران مربوط می‌شود، مداخله کنند. به‌طور خاص، در پرونده‌های مربوط به حقوق بومیان استرالیا، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به‌عنوان طرف سوم وارد دادرسی شوند و از حقوق بومیان دفاع کنند. در زمینه محیط‌زیست، سازمان‌های مردم‌نهاد استرالیایی به‌طور فعال در پرونده‌هایی که به آلودگی محیط‌زیست و نقض قوانین زیست‌محیطی مربوط می‌شود، وارد عمل می‌کنند. این سازمان‌ها می‌توانند از طریق مداخله در پرونده‌های کیفری برای اعمال مجازات‌های قانونی بر شرکت‌هایی که محیط‌زیست را آلوده می‌کنند، تأثیر بگذارند. به‌ویژه در پرونده‌هایی که مربوط به آلودگی منابع آب یا تخریب جنگل‌ها می‌شود، این سازمان‌ها نقش حیاتی در حفظ محیط‌زیست دارند. (Carter, 2012: 101)

پ) انگلستان: در انگلستان، مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد تحت قوانین خاصی امکان‌پذیر است. به‌ویژه در برخی پرونده‌های مرتبط با حقوق بشر، محیط‌زیست و عدالت اجتماعی، این سازمان‌ها می‌توانند به‌عنوان طرف ثالث وارد دادگاه شوند. یکی از قوانین کلیدی در این زمینه، قانون آزادی اطلاعات مصوب سال ۲۰۰۰^۱ است که امکان دسترسی سازمان‌های مردم‌نهاد به اطلاعات موردنیاز برای پیگیری پرونده‌ها را فراهم می‌کند. همچنین، در مواردی که منافع عمومی به‌طور جدی تهدید می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند از دادگاه‌ها درخواست کنند که به‌طور قانونی در پرونده‌ها مداخله کنند. همچنین، طبق قوانین انگلستان، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به‌عنوان «مدعی عمومی»^۲ در فرایندهای قانونی مشارکت کنند. این نوع مشارکت به آن‌ها این اجازه را می‌دهد که در پرونده‌های کیفری که به منافع

1. Freedom of Information Act 2000

2. Public Interest Litigants

مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از حقوق عامه در نظام کیفری ...

عمومی مربوط می‌شود، از طرف جامعه و به نمایندگی از آن عمل کنند. به‌عنوان مثال، سازمان‌های مردم‌نهاد در پرونده‌های محیط‌زیستی می‌توانند به‌عنوان طرف سوم وارد عمل شده و درخواست نمایند که متهمان به تخریب محیط‌زیست مجازات شوند (Wills, 2010: 92).

سازمان‌های مردم‌نهاد در انگلستان به‌طور فعال در پرونده‌های مرتبط با نقض حقوق بشر و تخریب محیط‌زیست مداخله می‌کنند. به‌ویژه در زمینه حقوق بشر، این سازمان‌ها به‌طور منظم در پرونده‌هایی که مربوط به شکنجه، دستگیری‌های غیرقانونی یا تبعیض است، وارد عمل می‌شوند. علاوه بر این، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در پرونده‌هایی که به‌طور مستقیم به محیط‌زیست و قوانین زیست‌محیطی آسیب می‌زنند، نظیر آلودگی‌های صنعتی یا تخریب منابع طبیعی، مداخله کنند. در این موارد، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به دادگاه‌های کیفری انگلستان مراجعه کرده و برای رسیدگی به این مسائل فشار وارد کنند. در این راستا، دادگاه‌ها معمولاً از این سازمان‌ها حمایت می‌کنند و در صورتی که آسیب‌های جدی به محیط‌زیست یا حقوق بشر وارد شده باشد، برای رسیدگی به آن‌ها مداخله می‌کنند (Cole, 2014: 103).

ت) فرانسه: در فرانسه، قوانین خاصی وجود دارد که به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد تا در پرونده‌های کیفری به‌ویژه در مواردی که به نقض حقوق عمومی و منافع جامعه مربوط می‌شود، مداخله کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای قانونی برای این مداخله، «قانون ۲۷ فوریه ۲۰۰۴» است که سازمان‌های مردم‌نهاد را به‌عنوان طرف ثالث در فرایندهای کیفری معرفی کرده است. طبق این قانون، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به‌عنوان مدعی خصوصی در پرونده‌هایی که به منافع عمومی مربوط می‌شود، وارد عمل شوند و برای جبران خسارات ناشی از نقض حقوق عامه اقدام کنند. این قانون به‌ویژه در پرونده‌هایی که به‌طور مستقیم منافع عمومی آسیب می‌بیند، مانند پرونده‌های محیط‌زیستی، حقوق بشر و فساد دولتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور مثال، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در پرونده‌هایی که به نقض حقوق بشر در حوزه‌های مختلف مربوط می‌شود، به‌عنوان مدعی خصوصی وارد شوند و از دادگاه درخواست کنند که اقدامات قانونی لازم برای محافظت از حقوق جامعه انجام شود (Lemaitre, 2014: 92).

سازمان‌های مردم‌نهاد در فرانسه می‌توانند در چندین حوزه مختلف، ازجمله حقوق بشر، محیط‌زیست، و مسائل اجتماعی وارد فرایندهای کیفری شوند؛ یکی از پرازنترین نمونه‌های مداخله کیفری این سازمان‌ها در زمینه حقوق بشر است، جایی که آن‌ها می‌توانند در پرونده‌هایی که مربوط به نقض حقوق بشر است، نظیر شکنجه، تبعیض، و آزار اقلیت‌ها، مداخله کنند.

همچنین، در حوزه محیط‌زیست، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در پرونده‌هایی که مربوط به آلودگی محیط‌زیست و نقض قوانین زیست‌محیطی است، مداخله کنند. این مداخله نه‌تنها به‌عنوان یک

ابزار قانونی برای حمایت از محیط‌زیست عمل می‌کند بلکه می‌تواند از اقدامات غیرقانونی شرکت‌ها و دولت‌ها در تخریب محیط‌زیست جلوگیری کند (Tosun, 2013:107) ... در فرانسه به‌موجب اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۰ به وجود آمد و نیز براساس ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت وقوع یکی از جرائمی که امکان همراهی و معاضدت این سازمان‌ها در مورد آن‌ها وجود دارد، دادستان می‌تواند این سازمان‌ها را از وقوع این جرائم آگاه نماید تا بزه‌دیدگان از کمک و همراهی آن‌ها برخوردار شوند (Beziz, 2003: 16).

ث) ایران: سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران می‌توانند طبق قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین ماهوی جزایی در دادرسی‌های کیفری برای حمایت از حقوق عمومی وارد شوند و درخواست مداخله کنند. قانونگذار در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری شرایطی را برای اعلام جرم و شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی مقرر نموده است. اولاً اینکه که اساسنامه آن‌ها باید در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی باشد و ثانیاً در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. بااین‌وصف زمینه‌های مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت و صیانت از حقوق عامه هرچند حصری بوده ولی موارد وسیع و گسترده‌ای را نسبت به سایر نظام‌های حقوقی مورد مطالعه در این مقاله دربر می‌گیرد.

یکی دیگر از زمینه‌های مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری در ایران، استفاده از ظرفیت ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ است. هرچند در این ماده اشاره‌ای به امکان دخالت سمن‌ها در فرایند رسیدگی کیفری نشده لکن سمن‌ها می‌توانند با تکیه بر «قانون حمایت از گزارش‌گران فساد مصوب ۱۴۰۲/۹/۱۴»، گزارش‌های خود را برای بررسی و پیگیری به دادستان‌های حوزه‌های قضائی و دادستان کل کشور ارسال نمایند. بنابراین مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در اکثر کشورها از جایگاه قانونی برخوردار است و این سازمان‌ها نقش مهمی در ارتقای عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق عامه ایفا می‌کنند. بااین‌حال چالش‌هایی در مسیر مداخله این سازمان‌ها وجود دارد که نیازمند اصلاحات قانونی است. درنهایت، استفاده از این ابزار قانونی می‌تواند به صیانت و حمایت از حقوق عامه مردم منجر شود.

۱. ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اسول، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذی‌صلاح داخلی، خارجی یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید.

۳. چالش‌ها و محدودیت‌های مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از حقوق عامه

مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایندهای قضائی و قانونی به‌ویژه در زمینه حقوق شهروندی و محیط‌زیست، نقشی حیاتی در تقویت عدالت اجتماعی و حفاظت از حقوق عمومی دارد. بااین حال، این مداخله با چالش‌ها و محدودیت‌های متعددی مواجه است که می‌تواند بر کارایی و اثربخشی آن تأثیر منفی بگذارد. ازجمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به مشکلات قانونی، کمبود منابع مالی، موانع سیاسی و فقدان همکاری کافی با نهادهای دولتی اشاره کرد. این محدودیت‌ها نه تنها فرایندهای قضائی را پیچیده می‌کنند بلکه توان سازمان‌های مردم‌نهاد را در پیگیری پرونده‌ها و اعمال تغییرات مثبت در جامعه کاهش می‌دهند.

اگرچه سازمان‌های مردم‌نهاد در فرانسه به‌طور قانونی مجاز به مداخله کیفری هستند، اما این مداخله با چالش‌هایی نیز روبه‌روست. یکی از چالش‌های اصلی، محدودیت‌های قانونی و اداری است که مانع از دخالت کامل این سازمان‌ها در برخی پرونده‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال، برخی قوانین فقط به سازمان‌های خاصی که در حوزه خاصی از حقوق عامه فعالیت می‌کنند، اجازه مداخله در پرونده‌های کیفری را می‌دهند. این محدودیت‌ها باعث می‌شود که بسیاری از سازمان‌ها نتوانند در تمام پرونده‌ها دخالت کنند، حتی اگر به‌نظر برسد که منافع عمومی تهدید می‌شود. چالش دیگر، عدم آگاهی عمومی از نقش و حقوق سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند دادرسی است. این مسئله ممکن است منجر به نادیده‌گرفتن نقش این سازمان‌ها در پرونده‌های کیفری شود و برخی از فرصت‌های مهم برای حمایت از حقوق عمومی از دست برود. علاوه‌براین، فشارهای سیاسی و اجتماعی نیز ممکن است بر تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات قضائی تأثیر بگذارد و مانع از مداخله مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد در برخی پرونده‌ها شود. (Général, 2012: 118). علاوه بر این، محدودیت‌های مالی و منابع انسانی نیز می‌تواند مانع از مداخله کامل این سازمان‌ها شود. بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل کمبود منابع مالی قادر به پیگیری گسترده پرونده‌های کیفری نمی‌باشند (Général, 2012: 112). ناگفته نماند سمن‌ها در فرانسه به‌موجب ماده ۲ قانون ۲۷ فوریه ۲۰۰۴، حق شکایت، شرکت در جلسات رسیدگی، و اعتراض به آراء را دارند.

با وجود نقش مهم سازمان‌های مردم‌نهاد در حقوق انگلستان، مداخله این سازمان‌ها با چالش‌هایی مواجه است. یکی از این چالش‌ها، محدودیت‌های قانونی در زمینه مداخله این سازمان‌ها در پرونده‌های کیفری است. برخی از قوانین انگلستان تنها به سازمان‌هایی که در زمینه خاصی از حقوق عامه مانند حقوق بشر یا محیط‌زیست فعالیت می‌کنند، اجازه مداخله می‌دهند. این محدودیت‌ها ممکن است مانع از مداخله

سازمان‌های مردم‌نهاد در پرونده‌های کیفری شوند که به‌طور مستقیم به منافع عمومی آسیب می‌زنند. علاوه‌براین، سازمان‌های مردم‌نهاد با مشکلات مالی و منابع انسانی نیز روبه‌رو هستند. بسیاری از این سازمان‌ها به دلیل کمبود منابع قادر به پیگیری پرونده‌های پیچیده کیفری نیستند و این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر مداخله آن‌ها در حمایت از حقوق عامه داشته باشد. همچنین، در برخی موارد، فشارهای سیاسی می‌تواند بر استقلال سازمان‌های مردم‌نهاد تأثیر بگذارد و در نتیجه، این سازمان‌ها نتوانند به‌طور مؤثر در فرایندهای قضائی دخالت کنند (Davies, 2011: 112). سازمان‌های مردم‌نهاد در انگلستان به‌موجب قانون آزادی اطلاعات ۲۰۰۰ و آیین‌نامه‌های قضائی مرتبط، حق شکایت، شرکت در جلسات رسیدگی، و اعتراض به آراء را در زمینه‌های مورد مداخله دارند.

مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد جهت صیانت و حمایت از حقوق عامه در نظام حقوقی کشورهای کانادا و استرالیا نیز با چالش‌های مشابهی از قبیل محدودیت‌های قانونی در زمینه مداخله این سازمان‌ها در پرونده‌های کیفری، مشکلات مالی و کمبود منابع انسانی و همچنین، فشارهای سیاسی و اجتماعی مواجه است (O'Connor, 2011: 115). همچنین، برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد ممکن است با تهدیدات امنیتی و خطرات جدی روبه‌رو شوند. اعضای این سازمان‌ها در برخی کشورها ممکن است از سوی دولت‌ها یا گروه‌های مخالف تحت تعقیب قرار گیرند. در برخی موارد، این تهدیدات شامل دستگیری، آزار و اذیت، یا حتی حملات فیزیکی به اعضای این سازمان‌ها بوده است. این تهدیدات می‌تواند باعث کاهش توانایی سازمان‌ها در پیگیری اهداف خود شود (Smith, 2008: 55). سازمان‌های مردم‌نهاد در استرالیا حق شکایت، حق شرکت در جلسات رسیدگی و حق اعتراض به آراء را به‌موجب قانون حقوق بشر استرالیا و قانون حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی استرالیا دارند. در کانادا این حق به‌موجب قانون حقوق بشر کانادا و قانون محیط‌زیست کانادا به رسمیت شناخته شده است.

ماده ۶۶ مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ پیش از اصلاحیه ۱۳۹۴/۳/۲۴ از این قرار بود: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها دربارهٔ حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضائی اعتراض نمایند». پس از اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ این ماده به این ترتیب اصلاح شد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها دربارهٔ حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط‌زیست،

منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌تواند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند». براین اساس مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری تنها با اعلام جرم و حق شرکت در مراحل رسیدگی نمود می‌یابد. بنابراین سمن‌ها حتی حق شکایت در زمینه جرایم ارتكابی و اعتراض به آراء صادره مربوط به موضوع فعالیت‌شان به دادگستری را ندارند.

بنابراین ماده ۶۶ با اعطای حق اعلام جرم از طرف سمن‌ها و شرکت آنان در جلسات رسیدگی، در واقع حقوق جدیدی به آن‌ها اعطا نکرده است. در فرض عدم تصویب این ماده، طبق اصول و مواد قانونی اشخاص حقوقی غیردولتی نه تنها می‌توانستند اعلام جرم کنند و رویه قضائی نیز این موضوع را پذیرفته بود؛ بلکه به موجب ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی شرکت آنان در جلسات دادرسی امکان پذیر بود.

مطابق تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه ماهه نخست هر سال توسط وزیر دادگستری یا همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». در راستای این محدودیت، قانونگذار حق تشخیص سازمان‌های فعال در حوزه مذکور را هم از مقامات قضائی سلب کرده و هم اسامی آن‌ها را محدود به فهرستی نموده که توسط مقامات قوه مجریه و قضائیه تهیه می‌شود» (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۲).

برخلاف آنچه از ظاهر تبصره مذکور به ذهن متبادر می‌شود، به نظر می‌رسد مفهوم تبصره ۳ ماده ۶۶ انتخاب سلیقه‌ای از میان سازمان‌های مردم‌نهاد نیست بلکه طبق این تبصره تشکلهایی اجازه فعالیت در این ماده را پیدا می‌کنند که وزارت کشور و دادگستری آن‌ها را تأیید کند. این تأیید به معنای داشتن مجوز قانونی برای فعالیت و نداشتن سابقه تخلف یا پرونده در محاکم قضائی و تأیید صلاحیت سازمان‌های مذکور است. طبق آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۵ آبان ۱۳۸۴ نیز هیئت وزیران ملاک عمل و تنها سند قانونی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی، مجوز وزارت کشور است. طبق ماده ۲ این آیین‌نامه، سازمان پس از گرفتن پروانه فعالیت و ثبت برابر ضوابط این آیین‌نامه و سایر مقررات جاری دارای شخصیت حقوقی می‌شود. اما صرف ثبت کردن سازمان هم نمی‌تواند مجوزی برای ورود به محاکم قضائی برای اعلام جرم یا شکایت علیه شخص یا نهادی باشد بلکه باید خود سازمان تخلف یا سابقه کیفری و قضائی نداشته باشد که وزارت کشور با همکاری وزیر دادگستری فهرستی از سازمان‌های تأیید صلاحیت شده را تهیه و در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار می‌دهند و این معنای انتخاب سلیقه‌ای نمی‌دهد بلکه انتخاب براساس شایستگی است. این تأیید درواقع به معنای داشتن مجوز قانونی برای فعالیت و نداشتن سابقه تخلف یا پرونده در محاکم قضائی و

تأیید صلاحیت سازمان‌های مذکور است (وروایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸).

محدودیت‌های قانونی در زمینه‌های مورد مداخله، کمبود منابع مالی و وابستگی مالی به دولت، فشارهای سیاسی و اجتماعی و محدودیت‌های ناشی از قوانین داخلی، کارایی این سازمان‌ها را کاهش می‌دهد. در ایران نیز با وجود اصلاحات قانونی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، هرچند سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های بیشتری نسبت به سایر نظام‌های حقوقی حق مداخله دارند، ولی تنها قادر به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی هستند و از حق شکایت و اعتراض به آراء محروم‌اند. این محدودیت‌ها بر توانایی این سازمان‌ها در پیگیری مؤثر پرونده‌های کیفری در راستای حمایت از حقوق عامه تأثیرات نامطلوبی وارد می‌نماید.

نتیجه‌گیری

سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نهادهایی مستقل و غیرانتفاعی، نقشی حیاتی در حمایت از حقوق عامه ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها از طریق نظارت، آگاهی‌بخشی، اعلام شکایت، حضور در جلسات رسیدگی و اعتراض به آراء، می‌توانند به‌طور مؤثری از حقوق شهروندی و حقوق عمومی دفاع کنند و حتی با ایجاد فشارهای لازم، اصلاحات قانونی را پیگیری نمایند. علی‌رغم چالش‌های موجود، این سازمان‌ها با بهره‌گیری از فرصت‌های جدید همچنان قادرند تأثیرات مثبتی در راستای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق بشر به‌وجود آورند.

در نظام کیفری ایران، طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی را در زمینه‌های حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان، زنان، افراد بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی دارند، به‌شرط آنکه اساسنامه آنان برای موضوع مورد مداخله ثبت شده باشد.

سمن‌ها در نظام حقوقی ایران می‌توانند به‌عنوان گزارش‌دهنده از ظرفیت قوانین و مقرراتی همچون دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، لایحه صیانت از حقوق عامه و سند تحول و تعالی قوه قضائیه استفاده نمایند. اما حتی استفاده از این ظرفیت نمی‌تواند محدودیت مداخله سمن‌ها به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی، بدون پیش‌بینی حق شکایت، ارائه دلیل و اعتراض به آراء محاکم قضائی را کُنه به‌موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، جبران نماید. تجربه نظام حقوقی کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که حق اعلام شکایت، ارائه دلیل، شرکت در جلسات رسیدگی و دفاع از موضوع شکایت و همچنین حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی در این کشورها به رسمیت شناخته شده است، هرچند حوزه‌های مداخله کیفری سمن‌ها در این کشورها محدودتر از نظام حقوقی ایران است.

مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از حقوق عامه در نظام کیفری ...

محدودیت‌های قانونی در زمینه‌های موارد مداخله، کمبود منابع مالی و وابستگی به دولت، فشارهای سیاسی و اجتماعی، و محدودیت‌های ناشی از قوانین داخلی، کارایی این سازمان‌ها را در اکثر نظام‌های حقوقی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. محدودکردن مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی، بدون پیش‌بینی حق شکایت، ارائه دلیل و اعتراض به آراء محاکم قضائی، انگیزه مداخله آن‌ها را به حداقل می‌رساند. در حالی که در نظام‌های حقوقی کشورهای مورد مطالعه در این نوشتار (فرانسه، انگلستان، کانادا و استرالیا)، حق اعلام شکایت، ارائه دلیل، شرکت در جلسات رسیدگی و دفاع از موضوع شکایت و همچنین حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی به رسمیت شناخته شده است، حوزه‌های مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در این کشورها محدودتر از نظام حقوقی ایران است. به نظر می‌رسد پیش‌بینی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری به‌عنوان یک دنبال‌کننده فعال، که از حق شکایت، شرکت در جلسات دادرسی و دفاع از حقوق عامه با داشتن حق ارائه دلیل و اعتراض به آراء پرخوردار باشد، به‌جای صرفاً اعلام جرم، گامی مثبت و تئوریک برای کشف جرم و امکان بررسی جرایم ارتكابی در حوزه حمایت از حقوق عامه است.

جدول شماره ۱ - مقایسه مداخله کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از حقوق عامه

نظام‌های حقوقی و ویژگی	ایران	استرالیا	انگلستان	فرانسه	کانادا
حق مداخله کیفری سمن‌ها	اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی در حوزه (بدون حق شکایت و اعتراض به آراء) در زمینه‌های مختلف ولی حضوری	مداخله قانونی در پرونده‌های کیفری (محدود به برخی سازمان‌ها و در زمینه‌های محدودتر از ایران)	مداخله قانونی در پرونده‌های کیفری (محدود به برخی سازمان‌ها و در زمینه‌های محدودتر از ایران)	مداخله قانونی در پرونده‌های کیفری (محدود به برخی سازمان‌ها و در زمینه‌های محدودتر از ایران؟)	مداخله قانونی در پرونده‌های کیفری (محدود به برخی سازمان‌ها و در زمینه‌های محدودتر از ایران)
حق شکایت	ندارند در هیچ زمینه‌ای	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)
حق اعتراض به آراء	ندارند در هیچ زمینه‌ای	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)
حق حضور در جلسات رسیدگی	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)	دارند (در زمینه‌های خاص)

نظام‌های حقوقی	ایران	استرالیا	انگلستان	فرانسه	کانادا
محدودیت‌های قانونی	محدودیت‌های قانونی براساس ماده ۶۶ (حق اعلام جرم و شرکت در جلسات دادرسی، امانه شکایت و اعتراض به آراء)	محدودیت‌ها براساس حوزه‌های قابل مداخله در حقوق عامه	محدودیت‌ها براساس حوزه‌های قابل مداخله در حقوق عامه	محدودیت‌ها براساس حوزه‌های قابل مداخله در حقوق عامه	محدودیت‌ها براساس حوزه‌های قابل مداخله در حقوق عامه
حق گزارش‌دهی	دارند در همه زمینه‌ها	دارند در همه زمینه‌ها	دارند در همه زمینه‌ها	دارند در همه زمینه‌ها	دارند در همه زمینه‌ها
موانع و مشکلات	کمبود منابع مالی و وابستگی به دولت	مشکلات مالی و منابع انسانی	مشکلات مالی و منابع انسانی	کمبود منابع مالی، وابستگی به دولت و فشارهای اقتصادی	مشکلات مالی و منابع انسانی

منابع

- افشاری، فاطمه و آیین پشغ (۱۴۰۰). موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دهم، ۱۱۱-۱۴۰.
- پیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۲). علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- پاک‌نژاد، امین‌اله و غمامی، سیده‌مهدی (۱۴۰۰). سازوکارهای مشارکت نهادهای دوست دادگاه در احیای حقوق عامه، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره چهارم، ۵۵-۷۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ج پنجم.
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات شهر دانش، تهران.
- دلماس مارتی، میری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه، نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، جلد اول، انتشارات میزان، تهران.
- شفیعی، محمد (۱۳۹۶). حقوق عمومی و حقوق بشر در حقوق ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیرز، زهرا و باقر شاملو، مداخله‌گری کیفری برای احیای حقوق عامه در نظام حقوقی ایران؛ چرایی و چالش‌ها، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۶، ۳۶۱-۳۸۷.
- عطاران، مهرناز؛ دودانکه، زهره (۱۳۹۶). شهروندی اجتماعی و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، هفت شهر، شماره ۵۸-۵۷، ۲۳۸-۲۴۸.
- غمامی، مهدی (۱۳۹۷). الگوی حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضائی، حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، ۷۱-۹۲.
- قاسمی، غلامعلی؛ محبی، داود و شجاعی، عبدالسجید (۱۴۰۱). تحلیل نهادهای حقوقی حقوق عامه و حقوق جمعی از منظر اندیشمندان اسلامی و غرب، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۹، شماره ۳، ۱۹۵-۲۲۲.
- مرنندی، الهه (۱۴۰۰). سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه با بهره از سازمان‌های مردم‌نهاد، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۹۶، ۲۲۷-۲۵۸.
- نقره‌کار، محمدصالح (۱۳۸۹). «آیا حقوق عامه، متولی دارد؟! دادستان، تضمین‌کننده اعطا و استیفای حقوق عامه»، قابل دسترسی در: پایگاه اینترنتی دادگستری کل استان اصفهان در صفحه: <https://www.dadesfahan.ir/Portals/dadesfahan.ir/PaperAttach/470.htm>
- وروایی، اکبر؛ محمدی، همت و نوزیان، ایوب (۱۳۹۵). مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۸، ۲۷-۴۳.
- هداوند، مهدی؛ نجفی کلایانی، محمد و فلاح‌زاده، محمد، شناسایی حق‌های رفاهی در قوانین اساسی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶ شماره ۱۲۰، ۳۲۷-۳۵۲.

- Beziz-Ayache, A. (2003). *Dictionnaire de droit pénal général et procédure pénale* (2nd ed.). Ellipses.
- Barker, C. (2012). *Public Interest and NGOs: Legal Frameworks in the UK*. Cambridge University Press.
- Carter, A. (2012). *NGOs and Environmental Law in Australia*. Cambridge University Press.
- Cole, J. (2014). *Human Rights and Environmental Protection by NGOs in the UK Legal System*. Palgrave Macmillan.
- Davies, R. (2011). *Challenges in Public Interest Litigation by NGOs in the UK*. Routledge.
- Foster, S. (2010). *Public Interest Litigation and NGOs in Canada*. McGill-Queen's University Press.
- Général, D. (2012). *Les limites de l'intervention des ONG en droit pénal français*. *Revue de Droit Comparé*.
- Hughes, T. (2010). *Environmental Protection and NGOs in Australia*. *Australian Law Journal*.
- Elbayar, K. (2005). *NGO Laws in Selected Arab States*. *International Journal of Not for-Profit Law*, 7(4), September.
- Lemaitre, A. (2014). *La participation des ONG aux procédures pénales en France*. Editions Dalloz.
- Morrison, R. (2013). *NGOs and Environmental Law in Canada*. Vancouver Press.
- O'Connor, M. (2011). *Legal Barriers to Public Interest Litigation in Canada*. *Canadian Law Review*.
- Schultz, M. (2011). *Public Interest Litigation and NGOs in Australia*. Oxford University Press.
- Smith, J. (2008). *Non-Governmental Organizations and the Politics of Resistance*. Zed Books.
- Tosun, M. (2013). *La protection de l'environnement par les ONG en droit pénal français*. Presses Universitaires de France.
- Wills, P. (2010). *NGOs and Public Interest Litigation in the UK*. Oxford University Press.
- Young, B. (2012). *Environmental Protection and NGOs in Canada*. University of Toronto Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی